

بیانیه نهادهای دموکراتیک کلن بمناسبت ۱۰ دسامبر، روز جهانی حقوق بشر

فرارسیدن روز جهانی حقوق بشر برای ایرانیان آگاه و وجدانهای بیدار فرصتی است تا با تداوم و تقویت هرچه بیشتر پیکارها و کوششهایشان در مقابل جمهوری اسلامی، این ناقض جدی حقوق انسانی و عامل بحران حقوق بشر در میهن مان، باورمند و امیدوارانه بایستند. بویژه که هم اکنون جامعه جهانی نیز از طریق گزارشگر ویژه سازمان ملل موارد انبوه نقض حقوق بشر در سیاستها و عملکردهای رژیم جمهوری اسلامی را بیشتر پی میگیرد. این تلاش همه جانبه آزادیخواهان و کنشگران مدنی، رژیم را در زمینه رعایت استانداردهای حقوق بشر در عرصه های داخلی و بین المللی به چالش جدی کشانده است.

مدافعان حقوق بشر در سال های اخیر برغم خطرات بزرگ و سرکوبهای خشن رژیم مبارزه ای ساختارمند، گسترده و کارا علیه رژیم اسلامی را سازمان داده اند. این کوششها در زمینه های آگاهی بخشی، مستندسازی، ثبت و جمع آوری بیشتر موارد نقض حقوق بشر، شفافیت داده ها و آموزش نیروها برآستی نوید بخش اشاعه نگاه و فرهنگی نوین در میهنمان می باشند.

ماهیت ارتجاعی و ضدانسانی رژیم جمهوری اسلامی در قوانین آن، یعنی در قانون اساسی، قوانین مدنی، قانون مجازات، آیین دادرسی مدنی، قوانین اقتصادی و مالی، قانون انتخابات، قانون و حقوق کار، قانون اداری و مقررات و آیین نامه های فرهنگی و اجتماعی و نظامی و امنیتی آن بازتاب و تبلور یافته است.

اسلام ایدئولوژیک و سنتی و دیدگاههای بنیادگرایانه اسلامی - شیعی و تسلط مطلق آنان بر قدرت دولتی و همه عرصه های سیاسی - اجتماعی - فرهنگی - اقتصادی، عامل اصلی بحران همه جانبه و بحران حقوق بشر در ایران است. رژیم ولایی - نظامی از بنیاد ضد انسان و فاقد مشروعیت اخلاقی و اجتماعی است.

رژیمی که بلافاصله پس از به قدرت رسیدن با فریب مردم و انجام ندادن وعده هایش، نقض حقوق اساسی و آزادیهای اجتماعی و تصفیه های خونین مردم به اتهام های کافر، محارب، یاغی، طاغی و مفسد فی الارض پایه های قدرتش را بنام اسلام بر شانه های مردم، که با امید آزادی و استقلال و دموکراسی و پیشرفت اجتماعی بپا خاسته بودند، کوبید.

رژیمی که از ملت ایران، امت صغیر، دربند و گرفتار امام و رهبر مقتدر و غدار ساخت، کرامت و منزلت انسان ایرانی را با حقوق بادیه نشینان ۱۴۰۰ سال پیش یکسان نمود، حقوق و جایگاه زن را با نیمی از ارزش مرد، همراه با شدیدترین اهانتها و جنایتها (از سلب حق حضانت فرزند تا سنگسار زن) برآورد کرد، به رشته قانون کشید و به اجرا گذارد.

حقوق اقلیتهای قومی، یعنی کردها، آذری ها، ترکمنها، بلوچها و عربها، که بیش از نیمی از جمعیت ایران هستند، را با سرکوب و خشونت و اکراه پایمال کرد. برای اقلیتهای دینی و عقیدتی و جنسی (سنی، کلیمی، زرتشتی، مسیحی، دراویش، کمونیستها و دگرباشان جنسی) حتی همان حقوق حداقلی سر و دم بریده امت صغیر را نیز قابل نشد و شکنجه و آزارشان داد.

شاغلین و کارکنان را نه بر اساس توانایی و تخصصشان، بلکه با استاندارد مکتبی تعریف و ارزش گذاری کرد و میلیونها نفر را در طی این سه دهه مشمول تصفیه و بیکاری و مجازاتهای واهی در محیط کارشان قرار داد. دانشجویان میهنمان را با تضييع حقوق، ستاره دار کردن و به زندان انداختن معترضین، تفکیک جنسی و اشکال ارتجاعی و عقب مانده دیگر سرکوب و ناامید کرد. جوانان بسیاری را در دام اعتیاد انداخت و به لحاظ جسمی و روحی به نابودی کشاند. حقوق کودکان را زیر پا گذاشت، و بجای دانش آموزی و پرورش در کانون خانواده بسیاری از آنان (کودکان کار و بی سرپرست) را مانند گلهای پریز و محروم از آغوش گرم مادر خانواده به رنج و عذاب کشاند.

رژیم جمهوری اسلامی در ایران پدیده های شوم و گسترده کودکان حیابانی، زنان بی سرپرست، مجرمان و جنایتکاران و بزهکاران و قربانیان مواد مخدر، خودکشیها و خودسوزیها، تصفیه ها و بیکاریهای پر دامنه، وجود ناقصین و معلولین و جانبازان جنگی و خانواده های بی سرپرست را با غارت نفت و سوء مدیریت در اداره کشور به مردمان تحمیل کرد.

رژیمی که رهبریش را همه چیزدان، فیلسوف، جامعه شناس، عالم حقوق، ژنرال نظامی، عارف، هنرمند نماینده خدا و پیغمبر و نایب امام زمان میدانند که حتی نظر و اراده سران سه قوه و سران سیاسی و نظامی و امنیتی اش را با ایجاد کمترین اختلاف با شدت و خشونت لگام میزند و مجلس که در واقع باید خانه ملت باشد، را پر از

برگماردگان و پیشکاران طوطی صفت و بی اراده ای کرده است که با حکم حکومتی و حتی با ایما و اشاره فقیه و نظارت و کنترل شورای نگهبان دست نشانده او به جای پاسداری از حقوق، منافع و آرای مردم به خیانت و دزدی و فساد مشغولند.

رژیمی که سیاستهای نابخردانه ضد مردمی و اصرارش در ادامه جنگ نه تنها موجب نابودی صدها هزار انسان در جنگ ایران و عراق گردید، بلکه دهها هزار تن را در طول سی سال خشن تر از اسیران جنگی در داخل زندانها و یا در خیابانها، خانه ها و محیط های کار و تولید نیست و نابود کرد.

رژیمی که بسیاری از مخالفان را بر طبق موازین شرعی، بدون محاکمه بنام کافر و محارب تیرباران نمود، یا در معابر عمومی به دار کشید، یا از بلندی پرتاب کرد، یا در اسید سوزاند و یا با چاقو و قمه سینه آنان را درید. رژیمی که از دختران جوان در زندانهای سیاسی قبل از اعدام بزور سلب بکارت نمود و در زندانها برای گرفتن اقرار و کسب اطلاعات انواع شلاق، شکنجه و حتی شکنجه جنسی روی مردان و زنان زندانی اعمال نمود و سپس نظریه پردازان رژیم این جنایات و تجاوزها را صواب و عمل خیر شمردند. از خانواده های جانباختگان در قبال تحویل وسایلشان پول گلوله دریافت کرد و سپس اجساد آنان را به گورستان های دسته جمعی در بیابانها سپرد.

رژیمی که کارگران و معلمان و پرستاران و کارکنان اصناف را با اندکی اعتراض صنفی دستگیر، شکنجه و در مواردی اعدام کرد، کمر به قلع و قمع و یا از مضمون تهی نمودن شوراهای سازمانها و نهادهای مدنی بست، بسیاری از روزنامه نگاران، وبلاگ نویسها، هنرمندان و سینماگران منتقد و پیشرو و مردمی را از کار حرفه ای خود بازداشته و به جرم های سنگین محکوم نمود. رژیمی که قتلهای زنجیره ای را در سراسر کشور طراحی و اجرا کرد و در زندانهای سیاسی کشور کشتار بزرگ و فاجعه تابستان ۱۳۶۷ را به اجرا گذارد.

رژیمی که با ایجاد گرانی و تورم بیش از حد، زحمتکشانش ایران را به فروش کلیه و اعضای تنشان برای امرار معاش خود و خانواده هایشان ناچار نمود. رژیمی که زندانهای عادی کشور را مملو از ایرانیانی کرد که به لحاظ فقر، فشار مالی و یا غلتیدن در دام اعتیاد به زندان افتادند و شکنجه، عدم تامین جانی، بی قانونی و بی حرمتی به شان انسانی آنان را تا سر حد ممکن پیش برد.

رژیمی که طرفداران محیط زیست را بخاطر اعتراضات مدنی شان بشدت سرکوب کرد.

جمهوری اسلامی در بیرون از مرزهای ایران در طی این سی و سه سال دهها تن از رهبران و فعالان سیاسی و حقوق بشری ایرانی را ترور نمود، سران سیاسی - نظامی - امنیتی رژیم با برنامه صدور انقلاب اسلامی و رویاهای عظمت طلبانه شان، در جریان بمب گذاری های آژانتین در دهه 90 دهها تن را کشته و مجروح کردند. علاوه بر آن در بسیاری از ترورها بطور مستقیم و غیر مستقیم در اروپا، آمریکا، پاکستان، عراق، لبنان و افغانستان شرکت داشتند، رژیم اسلامی تروریستهای سازمانهای حزب الله و حماس و جنایتکاران سوری و عراقی را با گشاده دستی مورد حمایت سیاسی - نظامی قرار داد. این سازماندهی و آموزش و حمایتها با هزینه کردن میلیونها دلار پول نفت ایران به اجرا گذارده شدند می شوند. امری که موجب نفرت مردمان دنیا از رژیم اسلامی گردیده است و دودش به چشم ملت ایران می رود.

با شروع دهه چهارم و در جریان رویداد انتخاباتی سال ۱۳۸۸، رژیم ولایتی - نظامی جنبش میلیونی مردم ایران در راه دادخواهی و دفاع از حقوق شهروندی و دفاع از رای دزدیده شده مردم را با ماشین نظامی سرکوب خود، کشتارهای خیابانی، شکنجه و حبس های طولانی، تجاوز و بدرفتاری در زندانها روبرو نمود و در زمینه حمله به اجتماعات، نهادها، سازمانهای سیاسی و روزنامه نگاران و وبلاگ نویسان، هنرمندان و وکلای دور جدیدی را آغاز کرد.

رژیم با اعطای اختیارات نامحدود به دولت کودتا در زمینه طرح های پولی - مالی و نظامی کردن بیشتر اقتصاد ایران زمینه را برای انجام فساد و دزدی های میلیاردی فراهم کرد، به تبع آن حقوق اقتصادی - اجتماعی مردم هرچه بیشتر پایمال شد و شکاف ملت - دولت هرچه بیشتر افزایش یافت.

به عقب راندن دوره ای جنبش مردمی و نقض گسترده تر و متمرکزتر و بی رحمانه تر آزادی های سیاسی - اجتماعی با نظامی گری و اعمال دیکتاتوری و تمامیت خواهی بیشتر همراه شد و پایگاه اجتماعی و مشروعیت رژیم را نازکتر و ضعیفتر نمود.

در طول این سی و سه سال رژیم اسلامی در ایران حدود سی بار از سوی سازمان ملل به عنوان ناقض حقوق بشر محکوم شده است.

در سال ۱۳۸۹ کنشگران نهادها و جمعیتهای حقوق بشر در ایران، مجموعه ای از گزارش را با حجم ۱۰۶۱ صفحه با آمار و ارقام و نمودار و توضیح در زمینه های گوناگون اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، در رسته های حقوق زنان، کارگران، دانشجویان، احزاب سیاسی، اقلیتهای دینی و عقیدتی، روزنامه نگاران، هنرمندان، وکلای دادگستری و مدافعان حقوق بشر تنظیم و استخراج نمودند. طرح بیش از شش میلیون (۶۳۱۶۳۶۰) موارد نقض حقوق بشر در ایران از سوی مدافعان حقوق بشر بازتاب دهنده پایداری، شجاعت و امید بزرگ آگاهان ملت

ایران، زنان آزاده و جوانان پیشرو هشیار میهن ما است.

هم میهنان عزیز! با توجه به بحرانها و وخامت اوضاع اقتصادی - اجتماعی - سیاسی داخل ایران، رویدادهای منطقه، اوضاع بین المللی و گسترش تنشهای درونی و بحران آفرینی، رژیم جمهوری اسلامی بی اعتبارتر و شکننده تر شده است.

مقاومت مقامات قضایی، عدم پذیرش گزارشگر ویژه سازمان ملل در ایران و غیرواقعی و فاقد ارزش خواندن گزارش اولیه آقای احمد شهید از سوی رژیم نشانگر آن است که جامعه فعالان حقوق بشر زمینه ها و کارپایه های اساسی را فراهم کرده اند، برخی از مهمترین آنان به قرار زیرند.

الف: در داخل ایران

- پیگیری و شناسایی موارد نقض حقوق بشر از طریق شبکه های اجتماعی
- جمع آوری، ثبت، تفکیک و دسته بندی جهت مستند سازی داده ها و جرایم
- شفاف سازی داده ها، شناخت نحوه عمل مبارزان حقوق بشر و تقویت شیوه های نافرمانی مدنی
- کار ترویجی و آموزشی برای گسترش زمینه های اطلاع رسانی و ژرفش جنبش حقوق بشری
- نقد و افشای گسترده و مداوم کلیه قوانین مدنی، جزایی و غیره و سیاستها و موضع گیریهای سران حکومت اسلامی

ب: در سطح بین المللی

همکاری با شورای حقوق بشر

- تلاش گسترده برای تکمیل گزارش آقای احمد شهید از طریق ارایه اسناد و نامه ها و انجام مصاحبه ها با قربانیان نقض حقوق بشر به وی
- کوشش در جهت پیشبرد موثر (ادامه کاری و ایستادگی بر سر) تحریم های مقامات نظامی - امنیتی - سیاسی ناقض حقوق بشر توسط اتحادیه اروپا، امریکا و دیگران
- کوشش در راه تحریم و جلوگیری از فروش سلاح ها، ابزارها و تکنولوژی و منع دیدن آموزش های نظامی - امنیتی برای کارگزاران رژیم اسلامی
- کوشش در راستای تحریم و جلوگیری از صادرات فناوری ها و ابزارها و نرم افزارهایی که در جهت سرکوب مخالفین استفاده میگردند به رژیم اسلامی، مانند شنود، فیلترینگ، ارسال پرازیت و سابوتاژ
- حساسیت و توجه به اجرا و پیشبرد حقوق بشر و کار کارشناسانه و اجرای پروژه های کارا و پیوسته در این زمینه از سوی گروههای کار و کمیته های ویژه نهادهای مدنی
- کوشش مداوم ایرانیان جهت ارتباط و اطلاع رسانی با مجامع و سازمانهای بین المللی، اعم از چهره های شناخته شده یا سایر کنشگران ایرانی
- در همین راستا علاوه بر کوشش چهره های شناخته شده، کنشگران حقوق بشر ایرانی میتوانند بطور مداوم در امر ارتباط گیری و اطلاع رسانی با مجامع و سازمانهای بین المللی بکوشند.

اقدام از طریق اتحادیه بین المجالس

با توجه به نقض خشن حقوق بشر در زمینه حق رای و انتخابات آزار و دزدی میلیونها رای مردم در سال ۱۳۸۸ و با توجه به اینکه هزاران نفر از رهبران و کنشگران منتقد و مخالف رژیم در زندانها و تبعید و زیر فشار سانسور بسر میبرند و مجلس هشتم نیز به تمام و کمال در اختیار ولی فقیه قرار دارد و بازیچه اراده او شده است، انتخابات مجلس نهم در این فضای خشونت و سرکوب، دستوری و فرمایشی است و صندوقهای رای پر از نامه های کارگزاران نظامی - امنیتی رژیم خواهد شد.

کنشگران مدنی میتوانند از کمیته حقوق بشر و دموکراسی، اتحادیه بین المجالس که متشکل از ۱۵۷ مجلس کشورهای جهان و از جمله ایران است، بخواهند تا این نقض خشن حقوق بشر ملت ایران از سوی رژیم آن را با تعلیق عضویت و در صورت ادامه جنایات و کشتارها با اخراج رژیم اسلامی ایران از این اتحادیه پاسخ دهند.

اقدام از طریق شورای امنیت و دادگاه جنایی بین المللی

مبارزه قانونی و حقوق بشری علیه رژیم فقها در سطح بین المللی و از جنبه راهبردی میتواند به سطوح پیشرفته تری ارتقاء یابد. در صورت ادامه خشونت، کشتارها، اعدامها از سوی رژیم نهادهای مدنی میتوانند ویاید فراتر روند و برای ارجاع پرونده جنایات رژیم به شورای امنیت و دادگاه جنایی بین المللی کوششهای خود را پی گیرند.

کنشگران و برپای دارندگان گفتمان و جنبش حقوق بشر در ایران در راه احیای منزلت و کرامت انسان ایرانی

شناساندن و اجرای حقوق بشر و حقوق شهروندی، ایجاد نهادهای مدنی و تدارک جامعه مدنی پویا و توانمند ساختن مردم برای رسیدن به حاکمیتی ملی، دموکراتیک و سکولار در ایران میکوشند.

در آستانه روز جهانی حقوق بشر یک بار دیگر بانگ دادخواهیمان را به گوش جهانیان میرسانیم و برای آزادی همه زندانیان سیاسی - عقیدتی در ایران
آزادی انتخابات، بیان، قلم و مطبوعات و رفع سانسور از صدا و سیما
آزادی اجتماعات و سازمانهای مدنی - صنفی و سیاسی
حقوق زنان، کارگران، زحمتکشان، جوانان، دانشجویان، معلمان و پرستاران
حقوق اقلیتهای قومی، دینی، عقیدتی و جنسی
بیا میخیزیم.

پگاه آزادی و سپیده سحر پیش روی ماست، در بگشاییم و به پیشوازش برویم

برگزاری مراسم روز جهانی حقوق بشر در کلن
مکان: سالن کاریناس کلن
.Caritasverband für die Stadt Köln e.V
(Stolzestr. 1a - 50674 Köln (Südstadt

زمان: ساعت چهار ونیم بعدازظهر روز شنبه 10 دسامبر سال 2011 میلادی

برگزارکنندگان:

- انجمن پویا - کلن
- انجمن زنان ایرانی - کلن
- جمعیت پشتیبانی از مبارزات دموکراتیک مردم ایران - کلن
- حامیان مادران پارک لاله - کلن
- خانه همبستگی مهر